Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 3, Autumn 2023, 101-129
DOI: 10.21859/priw-130304

The Jabal Al-Akhdar Uprising in Internal Oman and the British Military Role (1950s)

Mohammad Jafar Chamankar[1]

Date of Received: 2023/05/10 **Date of Acceptance**:2023/09/21

Abstract

With the death of Imam Muhammad bin Abdullah al-Khalili in 1954 and the rise of the power of Sultan Timur bin Said of the Abu Saidi dynasty as a result of the comprehensive political and military support of Britain, the structure of the traditional Imamate as an independent force elected by the residents of Oman after 1,200 years of high life And he found decline. The revolts of Imam Ghalib bin Ali bin Hilal and his brother Talib bin Ali in order to revive the tradition of Imamate in 1955 were a reaction against this process of collapse. The main battle of several years called the Battle of Jabal Akhzar (Green Mountain) determined the fate of this political and religious uprising, which is the main purpose of this article. The performance of British colonialism in creating backwardness and aggravating social crises and dependency of central governments has always been one of the main factors of people's protests in the land of Oman and Muscat. Officially, the Sultanate of Oman was considered an independent country, but in reality it was a de facto British colony. In this way, the successive British governments were responsible for the miserable political, social and economic conditions that the Sultan's subjects suffered, and in the end, a popular uprising. created and fueled it. During the uprising of the people of Oman led by the Imamate in the 1950s, British soldiers had a

1. Associate Professor of the Department of History, Urmia University, Iran
mj.chamankar@urmia.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

significant presence in all repressive operations, and in fact, it was with their direct intervention that the struggles of the internal Oman Revolution Front were defeated. Part of the equipment and British elite forces were supplied from foreign bases and British colonies, and in an unequal ground and air battle, the Jabal Al-Akhdar uprising ended in failure despite the strong resistance of Imam's fans. The defeat in the Battle of Jabal Al-Akhdar left deep political and cultural consequences on the institution of Imamate in Oman, and gradually its practical role in this country became limited and very dim.

Keyword:
Oman and Muscat, Imamat, Abu Saidi dynasty, Britain, oman war

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱۲۹ - ۱۰۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۳۰۵

قیام جبل الاخضر در عمان داخلی و نقش نظامی بریتانیا (دهه ۵۰ میلادی)

محمدجعفر چمنکار[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

با مرگ امام محمد بن عبدالله الخلیلی در سال ۱۹۵۴ و افزایش قدرت سلطان تیمور بن سعید از سلسله سلاطین ابوسعیدی در نتیجه حمایت همه جانبه سیاسی و نظامی بریتانیا ،ساختار امامت سنتی به عنوان یک نیروی مستقل انتخابی ساکنان عمان داخلی پس از ۱۲۰۰ سال حیات پر فراز و نشیب اضمحلال یافت. شورشهای امام غالب بن علی بن هلال و برادرش طالب بن علی به منظور تجدید حیات سنت امامت در سال ۱۹۵۵، واکنشی در برابر این فرایند فروپاشی بود. نبرد اصلی چند ساله بنام جنگ اَلْجَبَل اَلْأَخْضَر(کوه سبز) یا جنگ عمان، سرنوشت این قیام سیاسی دینی را تعیین نمود که هدف اصلی این نوشتار می باشد. عملکرد استعمار بریتانیا در ایجاد عقب ماندگی و تشدید بحران های اجتماعی و وابستگی دولتهای مرکزی همواره یکی از عوامل اصلی اعتراضات مردم در سرزمین عمان و مسقط بوده است. به طور رسمی سلطان نشین عمان یک کشور مستقل محسوب می شد، اما در حقیقت مستعمره بالفعل بریتانیا بود.به این ترتیب،دولت های متوالی بریتانیا مسئول شرایط اسفبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند که رعایای سلطان متحمل می شدند و در انتها شورش مردمی را ایجاد کرد و به آن دامن زد. در جریان قیام مردم عمان به رهبری دستگاه امامت در دهه ۵۰ میلادی، سربازان انگلیسی در تمامی عملیات سرکوبگرانه حضوری چشمگیر داشتند و در حقیقت با مداخله مستقیم آنان بود که مبارزات جبهه انقلاب عمان داخلی به شکست انجامید. بخشی از ادوات و نیروهای زبده انگلیسی از پایگاه های خارجی و مستعمرات بریتانیا تامین گشت و در یک نبرد نابرابر زمینی و هوایی، قیام جبل الاخضر با وجود مقاومت شدید هوادران امام غالب بن علی الهنائی به ناکامی انجامید. شکست در نبرد جبل الاخضر، تبعات سیاسی و فرهنگی عمیقی را بر نهاد امامت گذارد و تدریجا نقش آفرینی عملی آن در عمان، محدود و بسیار کم رنگ گردید.

واژه‌های کلیدی: عمان و مسقط، نهاد امامت، خاندان ابوسعیدی ، بریتانیا، جنگ عمان.

۱. دانشیارگروه تاریخ دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. mj.chamankar@urmia.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

مقدمه:

در بیستم محرم سال ۱۰۶۰ هجری/ ۲۲ ژانویه ۱۶۵۰ میلادی جنبش ضد استعماری مردم عمان به استیلای یکصدوپنجاه استعمار پرتغال پایان داد و سلسله نوبنیاد آل یعاربه شکل گرفت. در سال ۱۷۴۴ میلادی احمد بن سعید ابوسعیدی (۱۶۹۳- ۱۷۸۳م)، با لقب الامام احمد بن سعید، به رهبری مردم برگزیده شد. این امامت و رهبری آغاز سلطنت پادشاهان ابوسعیدی است که در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی عنصری تاثیرگذار در تحولات سیاسی ، اقتصادی و نظامی خلیج فارس محسوب شدند. برخورد امامان که در بخشهای داخلی عمان نفود داشتند و سلاطین ابوسعیدی که در مسقط و سواحل حکومت می کردند، بخش مهمی از تاریخ این سرزمین را در بر می گیرد. پس از جنگ جهانی دوم چالش مابین این دو نهاد قدرت دینی و سیاسی تشدید گشت و در دهه ۵۰ م/ ۳۰ ش به یک نبرد واقعی مبدل شد که از سوی دولتها و نیروهای منطقه ای و فرا منطقه ای حمایت می شدند. بررسی علل و چگونگی فرایند قدرت گیری جنبش امامان در عمان داخلی و تحولات نظامی مرتبط با آن هدف اصلی این پژوهش می باشد جنبش امامان در عمان داخلی یکی از کم شناخته ترین مباحث مربوط به تحولات معاصر خاورمیانه ، خلیج فارس و جهان اسلام در ایران است.در نتیجه کمبود شدید منابع، بخش عمده ای از داده های این نوشتار بر گرفته از مطالعات کتب و مقالات لاتین و عربی است.علت اهمیت شناخت تحولات این دوره عمان برای تاریخ ایران از آن جهت است که این رویداد سرآغازی برای ظهور جنبش آزادیبخش ظفار است که دولت پهلوی دوم چندین سال در آن درگیری مستقیم داشت. نویسنده در این پژوهش با تکیه بر روش کتابخانه ای ، استفاده از روزنامه های دهه ۵۰ ش، اسناد غیر منتشره، منابع فارسی ، لاتین و عربی و دو بار مسافرت به کشور عمان، با بررسی متغیرهای دخیل در پیدایش جنبش عمان داخلی سعی نموده به سوال زیر پاسخ دهد:

-کدام عوامل و بسترها موجب ظهور جنبش ضد سلطانی امامیه در عمان شد و چگونه فرایند ناکامی و اضمحلال آن شکل گرفت؟

در پایان نتیجه گرفته می‌شود که مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی موجب پیدایش این جنبش گردید .دخالت گسترده و چند لایه نظامی و مالی دولت بریتانیا و عدم توان جنبش برای گسترش به سایر نواحی عمان نیز از مهمترین علل ناکامی این جنبش بوده است.

پیشینه تحقیق:

در ایران تنها پژوهشی که بصورت کلی به مسئله جنبش امامان عمان داخلی در دهه ۵۰ میلادی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

پرداخته است،کتاب «بحران ظفار و رژیم پهلوی» تالیف محمدجعفر چمنکار (۱۳۸۳) است .نقش انگلستان و مسئله توسعه نیافتگی در دوره سلطنت سعید بن تیمور از جمله موارد طرح شده در این کتاب می باشد. در میان منابع عربی می توان به مقاله تیسیرجدوع علوش(۲۰۲۲) با عنوان «موضع گیری پادشاهی عربستان سعودی در مورد مناقشه امامت اباضی و سلطنت در عمان، ۱۹۷۱-۱۹۵۵م» اشاره نمود که به صورت خاص به کمک های اقتصادی و نظامی عربستان و امریکا به جبهه امام می پردازد. مقاله «استقرار نظام امامت در عمان» نوشته الكي عبدالله بن براهم(۱۴۳۰ه) ظهور مجدد جنبش امامیه مابین سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۹م و تقابل با دستگاه سلطنت را بررسی کرده است. موید باسم حمزه(۲۰۱۴) در مقاله« نظام امامت در عمان بین سالهای ۱۹۱۳-۱۹۲۰: مطالعه ای در تاریخ مدرن و معاصر اعراب» به انعقاد قرارداد السیب و تعهدات متقابل سلطان و امام توجه کرده است. ثابت العمری (۲۰۱۲) نیز در مقاله «مداخله عربستان در امور عمان۱۹۶۰-۱۹۵۲م، مطالعه مستند» به اختلافات عربستان و عمان بر سر منطقه البریمی و تاثیر آن بر حمایت آل سعود از امام در جنگ جبل اخضر پرداخته است.مقاله «مبارزه برای قدرت در عمان در دوران سلسله آل بوسعیدی» از فاروق عمر فوزی (۲۰۱۸) به نبرد قدرت در عمان مابین سلطان، امامان و عناصر قبیله ای از سال ۱۷۴۹ تا ۱۹۷۱م اشاره نموده است.در میان منابع لاتین می توان به مقاله «دست گلاب: خاستگاه های واحد پیشاهنگی عمان متصالح، ۱۹۴۸-۱۹۵۶» نوشته تانکرد برادشاو[1] (۲۰۱۷)اشاره نمود که به نفوذ نظامی بریتانیا در بین شیوخ خلیج فارس و کمک به ارتش ضعیف سلطان عمان توجه کرده است. برادشاو در نوشتار «رکود امپراطوری: سر ویلیام لوس و خروج بریتانیا از خلیج فارس، ۱۹۷۰-۱۹۷۱میلادی[2]» منتشره در سال ۲۰۲۰ نیز به کمکهای اقتصادی انگلیس به دستگاه سلطنت عمان در نبرد با طوایف عمان داخلی پرداخته است. جیسون هاوک (۲۰۰۸) در مقاله «شیری در مسیر ملی شدن عمان: شورش در عمان از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰[3]» بر اساس تئوری جنبش اجتماعی ، انقلاب در عمان داخلی و بازیگران اصلی دخیل در آن را تحلیل نموده است. پژوهش «سلطان، امام و مسئله عمان» اثر جیمز تاریک ماریوت[4] (۲۰۲۰) نیز به اختلافات تاریخی مابین عمان داخلی و عمان ساحلی و جنگ جبل اخضر پرداخته است.

1. Bradshaw, The hand of Glubb: the origins of the Trucial Oman Scouts, 1948–1956
2. Imperial recessional: Sir William Luce and the British withdrawal from the Gulf, 1970-1971
3. Howk , A Lion in the Path of Oman's Nationalization: Insurgency in Oman from the 1950s through the 1970s
4. Tarik Marriott, The Sultan, the Imam and the Question of Oman

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

الف- جامعه و تاریخ عمان داخلی:

سلطان نشین عمان در منتهی الیه شرق و جنوب شرقی شبه جزیره عربستان واقع شده است، جایی که مرزهای بین عمان، یمن، عربستان سعودی و امارات متصالح(امارات متحده بعدی) در دهه ۴۰ و ۵۰ میلادی هنوز مشخص نشده بود (هوک[1]، ۲۰۰۸: ۳). درگذشته به تمام سرزمین های ناحیه شرقی شبه جزیره عربستان، عمان اطلاق می شد(وزارت اطلاعات عمان[2]، ۱۹۹۸: ۲۵). عمان در واقع یک جزیره است که از سه طرف توسط خلیج فارس، دریای عمان و دریای عرب احاطه شده است و درضلع چهارم آن بیابان وسیع ربع الخالی قرار دارد. تاریخ عمان تا حد زیادی توسط مشخصه های جغرافیای آن تعیین شده است (الهاشمی[3]، ۱۹۹۴: ۱۰) سه ناحیه جغرافیایی در عمان یافت می شود: کوهها، دشتهای ساحلی و مناطق داخلی دشتها. باریکه کرانه دریایی این کشور در کنار دریای عمان که از شمال به جنوب منتهی می‌شود، سواحل باطنه نام دارد.این جلگه ساحلی در اطراف خلیج عمان قرار داشته و از کوههای راس الجبل در شمال غرب تا نزدیکی بندر مطرح در غرب و جنوب امتداد دارد(آنتونی[4]، ۱۹۷۶: ۱۷). ارتفاعات عمان شامل رشته کوههای هجر است که از شبه جزیره مسندام در شمال آغاز شده ، به سمت جنوب و جنوب شرقی پیش می‌رود و با عبور از مسقط در نزدیکی راس الحد ، خاتمه می یابد. این رشته کوهها در امتداد شمال به جنوب با نام های مختلفی خوانده می شود : رئوس الجبال، حجر غربی، جبل الاخضر، الظاهره ، حجر شرقی و الشرقیه. تمام نواحی شرقی و غربی کوههای حجر ، ارتفاعات جبل الاخضر ، الظاهره ، دشت های جنوبی حجر شرقی، الشرقیه و بیابان‌های این محدوده تا منطقه رب الخالی را عمان داخلی می نامند و از قدیم الایام تنها این سرزمین را به نام عمان می شناختند . شهرنزوی (نیزوا) که در قرن ۷ هجری تاسیس شد و مدتی نیز به عنوان پایتخت انتخاب گردید، مرکز این ناحیه بوده است.امروزه این منطقه با عنوان استان داخلی (محافظة الداخلية) یکی از یازده استان سلطنت عمان می باشد(چمنکار، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰). این استان از سمت شرق به استانهای الشرقیه شمالی و الشرقیه جنوبی ، از غرب به استان الظاهره ، از جنوب به استان الوسطی و از شمال به استانهای مسقط و الباطنه هم مرز است و شامل شهرستانهای نزوی ، بهلاء ، منح ، الحمراء ، أدم ، أزكي ، سمائل و بدبد می باشد.جبل اخضر بلندترین کوه عمان و مرتفع ترین در بین سلسله جبال حجر می باشد که در جنوب این استان

1. Howk
2. ministry of information oman
3. al-Hashimy
4. Anthony

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

قرار دارد. جبل اخضر در سلسله جبال حجر غربی در منطقه داخلی عمان قرار داشته و عرض آن حدود ۲۵/۹۲ کیلومتر، طول آن حدود ۸۰/۵ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۳۰۰۰ متر برآورد شده است. دور تا دور آن را رشته کوه های مرتفعی در هم آمیخته با جاده ها، مسیرها و دره هایی که روستاهای متعددی را به هم وصل می کنند، احاطه کرده است(الحجری، ۲۰۲۰: ۵۲۳). کوههای حجر غربی و شرقی شهرها و طوایفی را در امتداد خود احاطه کردند که عمدتاً در محدوده عمان داخلی قرار می گیرند: ۱- حجر غربی که منطقه شمال غرب وادی سمائل را در بر دارد و شامل شهرهای نخیل ، رستاق، سویق و زیستگاه قبایل بنی خَروص ، بخشی از قبیله بنی ریام، بخشی از قبیله بنی غفیر، حواشینه، بنی عمر، بنی کلبان و بنی علی است. ۲- حجر شرقی در جنوب شرقی وارد سمائل واقع شده و شهرهای سمائل، بد بد، قوبره و قبائل بنی رواحه ، بنی وهاب، بنی بطش، و بنی جابر در پیرامون آن قرار دارند(آنتونی، ۱۹۷۶: ۳۹).

پس از نبرد نهروان گروهی از خارج به رهبری عبدالله بن فدیک به سرزمین عمان مهاجرت کرده و آنجا را مرکز عملیات خود قرار دادند. به تدریج با گرایش مردم عمان شاخه ای از خوارج به نام فرقه اباضیه در این سرزمین توسعه یافت.اباضیه یکی از قدیمی ترین فرقه های اسلامی است که در اواسط قرن اول هجری قمری تأسیس شد(الهاشمی، ۱۹۹۴: ۱۳).آنها پیروان عبدالله ابن اباض تمیمی بودند. وجه تمایز این گروه از دیگر خارجی ها آن بود که به مخالفان خود چندان سخت نمی گرفتند. بر اساس تفکرات این شاخه بسیاری از افکار سنتی خوارج همچون مباح دانستن قتل عناصر غیر خارجی مطرود شمرده شد(زیدان، ۱۳۶۹: ۷). اباضیه از اواسط قرن دوم هجری به مذهب بیشتر مردم عمان تبدیل شد، در نتیجه با حضور گسترده پیروان اباضی و گروه اقلیتی از اهل سنت، این کشور در طول تاریخ صحنه نبردهای خونین مذهبی فراوانی شد(ذالفقاری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۸).امروزه نیز مذهب اباضیه اکثریت را دارا بوده و حاکمان خانواده آل ابوسعید نیز از پیروان آن به شمار می روند. مردم عمان در سال۱۳۳هجری/ ۷۵۱ میلادی جلنده بن ابن مسعود را به امیری خویش منسوب و او را به عنوان اولین امام بر حق عمان انتخاب کردند.امامت او تا سال ۱۳۴ هجری که در جنگ جلفار (رأس الخیمه) کشته شد، ادامه یافت(الهاشمی، ۱۹۹۴: ۱۸). یکی از اصول بنیادی اباضیان این بود که امام، رهبر معنوی و دنیوی جامعه اسلامی، باید واجد شرایط ترین نامزدهای موجود باشد و با اجماع علما و بزرگان دینی و قبیله ای آن جامعه انتخاب شود (ایکلمن[1]، ۱۹۸۶: ۳).از این تاریخ تا اواخر قرن ۱۸ میلادی به استثنای مدت ۲۶۰ سال سیطره طایفه بنی نبهان ،حکومت عمان با اقتدار نظامی ، سیاسی و مذهبی امامان همراه بوده

1. Eickelman

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

است. امامان غالباً از بین طوایف ازدی، صنوی، کندی و یعاربه برگزیده شده ودر عمان داخلی مرکزیت داشتند(ویلسون، ۱۳۴۸: ۳۶). نبردهای داخلی بین هنایی ها یا طرفداران امام و غافری ها از مخالفین امام با پیروزی غافری ها و تاسیس حکومت ابوسعیدی به وسیله احمد بن سعید در سال ۱۷۴۹م به پایان رسید.خاندان آل ابوسعید که اباضی مذهب بودند، از واپسین سال‌های نیمه نخست دهه ۱۲ هجری/۱۸ هجدهم میلادی تا به امروز بر سرزمین عمان فرمانروایی کرده اند(ریسو[1]، ۱۹۸۶: ۴۳-۴۴). در سال ۱۸۹۱ فیصل بن ترکی بن سعید پیمانی را با انگلستان منعقد کرد که بر اساس آن زمام اداره مسقط و عمان به دست انگلیسی ها افتاد.از دیدگاه اکثریت قبائل، این قرارداد موجب سرسپردگی بیشتر سلطان به بریتانیا و گسترش نفوذ لندن می شد و در تعارض با مصالح مردم عمان بود (الترکی، ۱۴۳۰ق: ۲۸۵). پس از مرگ او در سال ۱۹۱۳ قبایل مختلف عمان سر به شورش برداشتند و امامی را مطابق رسوم سنتی عشیره ای در شهر نزوی انتخاب کردند که این اعتراضات از سوی نیروهای انگلیسی سرکوب شد، اما آنان با انتخاب مجدد، عبدالرحمان محمد الخلیلی را به امامت رساندند (کامران مقدم، ۱۳۵۶/۲: ۳۶۳). در دوره جنگ جهانی اول« ۱۹۱۴-۱۹۱۸» شرایط اقتصادی در عمان رو به وخامت گذاشت. بر اساس یک گزارش بریتانیایی، تعداد کشته‌شدگان از ۲۰۰۰۰ نفر فراتر رفت و کسری بودجه دولتی نزدیک به ۳۰۰ هزار پوند بود (العیدروس ، ۱۹۹۶: ۲۴۴).در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۰ قرارداد معروف به «سیب» با نظارت سرگرد وینگیت[2] کنسول و مقیم سیاسی انگلیس در مسقط و با همکاری مک کولوم[3] که از سوی سلطان تیمور به عنوان وزیر منصوب شده بود و شیخ عیسی بن صالح الحارثی نماینده امام و با میانجیگری شیخ سعید بن ناصر الکندی در روستای السیب در استان باطنه و درحدود ۴۸ کیلومتری غرب مسقط بین طرفداران امام و حکومت ابوسعیدی منعقد شد که به هفت سال شورش داخلی پایان داد و صلحی ۳۵ ساله را به ارمغان آورد.(گزارشهای مریپ[4]، ۱۹۷۶: ۱۰). با این وجود، این قرارداد با توجه به مفاد آن مبنی بر عدم دخالت سلطان ابوسعیدی مسقط در امور داخلی قبایل عمان داخلی، زمینه ساز برخوردها و شورش های خونین فرسایشی بعدی میان طوایف و سلاطین عمان شد (المرزوقی،۲۰۲۲: ۱۲۸-۱۲۷). با مرگ امام محمد بن عبدالله الخلیلی در سال ۱۹۵۴ و افزایش قدرت سلاطین ابوسعیدی در نتیجه حمایت همه جانبه سیاسی و نظامی بریتانیا ،ساختار امامت سنتی به عنوان یک نیروی مستقل انتخابی ساکنان عمان داخلی

1. Risso
2. Wingate
3. Mac Collum
4. Merip Reports

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

پس از ۱۲۰۰ سال حیات پر فراز و نشیب اضمحلال یافت(ویلکینسون[1]، ۱۹۸۷: ۱۴۹). شورشهای امام غالب بن علی بن هلال و برادرش طالب بن علی به منظور تجدید حیات سنت امامت در سال ۱۹۵۵، واکنشی در برابر این فرایند فروپاشی بود (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۱۸۶).

ب- علل وزمینه های وقوع اعتراضات در عمان داخلی

۱ - توسعه نیافتگی استبدادی:

در سال ۱۹۳۲ م سلطان سعید بن تیمور با کنار گذاشتن پدر خود تیمور بن فیصل (حکومت ۱۹۱۳-۱۹۳۲م) بر تخت سلطنت نشست و حکومت استبدادی و سیاه قرون وسطایی را برقرار کرد . حکومت سعید بن تیمور با تشدید روند استبداد، عقب‌ماندگی و اعتراضات مردمی دوره کاملاً مشخص و متمایز در طول تاریخ و عمان است. سلطان سعید تحصیلات خود را در یکی از مدارس سلطنتی بریتانیا در هندوستان و سپس در بغداد به پایان رسانید و پس از بازگشت به مسقط با خلع تیمور بن فیصل در سال ۱۹۳۲، رسماً بر تخت سلطنت نشست و تا سال ۱۹۷۰ که از سوی پسرش قابوس در جریان یک کودتای آرام از اریکه قدرت به زیر کشیده شد ، به مدت ۳۸ سال ارتجاعی ترین حکومت در جهان عرب معاصر را رقم زد.در نتیجه عملکرد دیوانه‌وار و افکار مالیخولیایی او ملت و عمان یکی از فلاکت‌بارترین دوران حیات تاریخی خود را گذرانید و به عقب مانده ترین و منزوی ترین کشور در منطقه خلیج فارس و دریای عمان تبدیل شد. رفتار و اعمال او نشانگر بیماری های روحی و استیلاء توهم بر روان او بود، به طوریکه از ملت خود تنفر داشت،تشنه قدرت مطلقه بود و بیم از دست دادن آن همواره او را عذاب می داد. به اقرار پزشک مخصوص او از مدتها پیش، آثار عدم اعتدال در احوال سلطان آشکار شده بود(وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۲۴۵-۲۴۶). استدلال او بر این توهم استوار بود که پیشرفت امری شوم است و باید متوقف شود.به عقیده وی تجدد طلبی مناسب حال عمانی‌ها نبود و آنها برای تجدد طلبی ساخته نشده بودند (دلاژ و گریزبک، ۱۳۶۶: ۴۹). به فرمان سعید بن تیمور چه در روزگار اقامت در مسقط و چه در هنگام سکونت در شهر صلاله در جنوب عمان، با فراز رسیدن شب دروازه های شهر بسته می شد و با شلیک دو گلوله توپ، قانون ممنوعیت آمد و رفت به اجرا در می آمد و هنگام صبح نیز با شلیک دو گلوله توپ دیگر به مردم اجازه خروج از خانه‌های خود داده می شد.خلاف این کار می توانست به قتل افراد بیانجامد(اطلاعات، ۱۳۵۲/۲/۵: ۱۰). در تاریکی نیز مردم اجازه بلند صحبت کردن را نداشتند(وزارت

1. Wilkinson

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

امور خارجه، ۱۳۵۰: ۱۴۳) . برق و لوله کشی آب نیز به جز در قصر سلطان و خانه چند تن از نزدیکان او جریان نداشت (اطلاعات، ۱۳۵۲/۱۲/۱۱: ۶). به دستور سلطان استفاده از مظاهر تمدن جدید مانند روزنامه و مطبوعات، رادیو، سینما ،فوتبال، اتومبیل، اسباب بازی کودکان، عینک، چتر، آرایش مو، سیگار، رستوران در فضای باز ، عکاسی، پوشیدن کفش، دوچرخه سواری، پوشش لباس غیر سنتی، مسافرخانه و هتل ، شکار و گردش در اماکن طبیعی تفریحی به شدت منع شده بود (واسیلیف، ۱۳۵۸: ۵۷). بهداشت و درمان نیز در وضعیت بسیار اسفناکی قرار داشت. تنها بیمارستان قابل استفاده در عمان به وسیله مبلغین و کشیشان مسیحی کلیسای آمریکا اداره می‌شد(آنتونی، ۱۹۷۶: ۱۳۶). تا سال ۱۹۷۰ میلادی ۷۵ درصد کودکان فوت می کردند(هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۷۸)، که این آمار بالاترین سطوح تلفات را در این گروه سنی در جهان نشان می داد(جمعی ازنویسندگان معاصر شوروی،۱۳۵۸: ۹۹). عمان همچنین یکی از کانونهای بیماری جذام در جنوب خلیج فارس بود(انگلیم[1]، ۲۰۱۴: ۱). کمبود دارو به دفعات بیماری‌های جزئی را منتهی به تلفات گسترده انسانی میکرد(اطلاعات، ۱۳۵۲/۱/۲۹: ۱۰). عقب ماندگی در بخش تعلیم و تربیت عمیق تر بود، به گفته وزیر آموزش و پرورش عمان در سال ۱۹۶۹ –۱۹۷۰ در این کشور با جمعیتی نزدیک به یک میلیون نفر تنها سه مدرسه ابتدایی وجود داشت و جمع کل دانش آموزان تنها به ۹۰۰ نفر می رسید، هیچ محصلی نیز حق نداشت از کلاس ششم بالاتر برود (همان، ۱۳۵۲/۲/۸). در این میان دختران از هرگونه تحصیل محروم بودند. بدین‌ترتیب تنها ۵ درصد از کل جمعیت عمان قادر به خواندن و نوشتن بودند(همان، ۱۳۵۲/۱/۳۰: ۸). مهاجرت و تماس های داخلی و خارجی به شدت کنترل می‌شد. برای خروج از کشور، آن هم به شکل بسیار محدود اجازه مستقیم سلطان ضروری بود. تنها راه ارتباطی عمده کشور جاده صلاله در جنوب به مسقط بود(وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۲۴۲)، و در کل کشور تنها ۳ مایل جاده آسفالت در راهی که مسقط را به بندر مطرح متصل می کرد،وجود داشت(انگلیم، ۲۰۱۴: ۲).در سال ۱۹۶۵ در برابر تنها ۴۸۰ هزار پوند صادرات، سه میلیون و دویست و چهل و هشت هزار پوند کالا و خدمات به کشور وارد شد.دو میلیون پوند درآمد سالیانه گمرک مسقط نیز در اختیار سلطان بود و او با محدودیت در ورود و خروج کشتی ها مشکلات اقتصادی عمان را تشدید می کرد(جناب، ۱۳۴۹: ۳۸۰).بحرانهای اقتصادی، نابودی مراکز تجاری و تولیدی را در پی داشت، چنانکه شهر نزوی که در گذشته مرکز تولید انواع پارچه در عمان داخلی بود،به ویرانی کامل رسید(نشات، ۱۳۴۴: ۳۲۱). سلطان حتی پس از کشف ذخایر نفت و افزایش درآمدهای دولتی نیز حاضر به هزینه

1. Anglim

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

آن به منظور رفاه اجتماعی نبود. برده داری رسمی در عمان متداول بود و دهها غلام و کنیز کر و لال در کاخهای سلطان خدمت می کردند(اطلاعات، ۱۳۵۲/۲/۶: ۸). مالیاتهای سنگین متعدد یکی از علل اصلی شورش قبایل برعلیه سلطان بود.هنگام سرنگونی سلطان سعید بن تیمور در سال ۱۹۷۰م ، عمان تنها با سه کشور انگلیس، هند و پاکستان روابط دیپلماتیک داشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۲۴۲). کسانی که به قوانین سلطان اعتراض می کردند می بایست منتظر مجازات های وحشیانه باشند .اعدام در ملاء عام انجام می گرفت. شرایط در زندان‌های او، جاییکه نگهبانان پاکستانی دستورات خود را از نگهبانان انگلیسی دریافت می‌کردند،وحشتناک بود، تعداد زیادی از محکومان که در سلولهای تاریک قلعه ها به غل و زنجیر بسته شده بودند، بدون غذا یا مراقبت پزشکی مناسب زندانی بودند(کوبین[1]، ۲۰۱۶: ۲).میزان عقب ماندگی مردم و فقر فراگیر همواره موجب شگفتی معدود مسافران خارجی شده است که در دهه ۵۰ م از عمان دیدار کرده اند.(هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۷۸) بنا براین حاکمیت استبدادی مطلق با افکار ارتجاعی عمیق و توسعه نیافتگی ساختاری، منطقه داخلی عمان را مستعد طغیان کرده بود.

۲- حاکمیت استعمار انگلیس:

مقتدرترین مقام انگلیسی در خلیج فارس« مقیم سیاسی» بود که مسئولیت هدایت سیاست های دولت بریتانیا در منطقه را بر عهده داشت. نقش او مابین مقام سفیر و فرماندار مستعمره بود و شامل مسئولیت حفاظت از منافع راهبردی بریتانیا در خلیج فارس، روابط با حاکمان ، مذاکره در مورد اجرای توافقنامه ها، حفاظت از ارزش پول استرلینگ و نظارت بر تحولات مالی بود.مرکز مقیم سیاسی در سال ۱۹۴۶ ازبندر بوشهر به بحرین نقل مکان کرد. عملکرد این مقام توسط نمایندگیهای سیاسی در ابوظبی، بحرین، دوحه و دبی تکمیل می شد.یک سرکنسولگری نیز در مسقط نیز وجود داشت که وظایف آن درحیطه اختیارات مقیم سیاسی بود. یک صاحب منصب سیاسی، ریاست هر نمایندگی را بر عهده داشت و مسئول روابط روزمره با شیوخ بود. دفاع از منافع اقتصادی و استراتژیک بریتانیا با کمترین بار مالی ، از مهمترین مسوولیت های آنان بود(برادشاو[2]، ۲۰۲۱: ۱۰۶). عمان برای امپراتوری بریتانیا از دیدگاه اقتصادی ، نظامی و ژئوپلتیک اهمیت راهبردی داشت.این سرزمین حلقه اتصال انگلیس از طریق مستعمره یمن با خلیج فارس و دریای عمان بود(گزارشهای میریپ، ۱۹۷۶: ۱۰).خشن ترین اشکال استعمار بریتانیا در عمان برقرار بود. بریتانیا حتی در روزگار معاصر نیز حاضر به ترک شیوه های منسوخ

1. cobain
2. Bradshaw

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

استعمار کهنه مبتنی بر دخالت مستقیم نظامی نبود. این تسلط ویرانگر چنان بر تمامی ابعاد اجتماعی اقتصادی سیاسی و نظامی عمان تاثیر داشت که بررسی تاریخ این کشور بدون در نظر گرفتن نقش انگلیس کاملاً ناقص خواهد بود .عملکرد استعمار بریتانیا در ایجاد عقب ماندگی و تشدید بحران های اجتماعی و وابستگی دولتهای مرکزی همواره یکی از عوامل اصلی اعتراضات مردم در سرزمین عمان بوده است. عمان اولین و آخرین کلنی استعماری بریتانیا در منطقه خلیج فارس به شمار می رفت(کمپبل[1]، ۱۹۵۸: ۲۸۳).از سال ۱۷۹۸ تا ۱۹۲۰ بیش از ۲۳ پیمان نامه و تعهد تجاری ، سیاسی و امنیتی بین بریتانیا و سلاطین و حکام عمان منعقد شد(السعدی، ۲۰۲۲: ۱۴۴). در۲۰ مارس ۱۸۹۱ پیمان جدیدی میان انگلستان و سلطان تیمور بن فیصل بسته شد که به معنی تحت الحمایگی کامل عمان بود. بر اساس این قرارداد سلطان شخصاً و از طرف تمامی جانشینان خود متعهد شد که اراضی مسقط و عمان را جز به دولت انگلستان به هیچ وجه واگذار نکنند، نفروشد، رهن ندهد و برای اشغال مناطق دیگر در اختیار غیر قرار ندهد (نشاشیبی، ۱۳۵۷: ۴۳۲).انگلستان در سال ۱۹۳۲ سلطان سعید بن تیمور را به قدرت رسانید و تا آخر اواخر حکومت، از اعمال استبدادی وی حمایت کرد.او در سال ۱۹۳۹ قرارداد جدید دوستی ،تجارت و کشتیرانی را با انگلیس به امضا رسانید.بر اساس این پیمان به جای مامور سیاسی ، کنسول رسمی دولت انگلستان در مسقط شروع به کار کرد.انگلستان به منظور حفظ دستگاه وابسته سلطان سالیانه بیش از یک و نیم میلیون پوند را در اختیار او قرار می داد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۸۰). از سال ۱۸۶۰، بوسیله دولت هند و از سال ۱۹۴۷ از سوی وزارت خارجه بریتانیا، ۹۵ تا ۹۸ درصد بودجه سالانه عمان تأمین می شد و عملاً بریتانیا را مسئول سیاست خارجی عمان می‌کرد(انگلیم، ۲۰۱۴: ۱). برجسته‌ترین حمایت انگلستان از دستگاه سلطان سعید از جنبه نظامی بود. روش فرماندهی مستقیم با تعیین افسران بریتانیایی در واحدهای ارتش به طور گسترده در سراسر جنوب خلیج فارس و عمان اجرا می گشت. تا سال ۱۹۵۰، نیروهای مسلح ضعیف کویت، بحرین، قطر، شیوخ امارات و مسقط بیش از ۱۰۰۰ سرباز منظم آموزش دیده در اختیار نداشتند و تعداد نیروهای مسلح عربستان نیز حدود ۸ هزار نفر بود (برادشاو، ۲۰۱۷: ۶۵۹).انگلیس در پایگاههای هوایی و دریایی مختلف این کشور از جمله صلاله، مصیره، بیت آل فلج و ازیباخ حضور داشت. در جریان قیام مردم عمان به رهبری دستگاه امامت در دهه ۵۰ میلادی، سربازان انگلیسی در تمامی عملیات سرکوبگرانه حضوری چشمگیر داشتند و در حقیقت با مداخله مستقیم آنان بود که مبارزات جبهه انقلاب عمان داخلی به شکست انجامید. انگلستان

1. campbell

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

همچنین با وتو کردن لوایح متعدد اعراب در سازمان ملل و سایر کمیسیون های جهانی در جهت خروج نیروهای بریتانیایی و احقاق حقوق قانونی مردم عمان، ضدیت خود را با آرمان های واقعی این سرزمین نشان داد(گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی، ۱۳۶۷: ۳۵۳-۳۵۴). ماموران انگلیسی در تمام رده های اداری، سیاسی و نظامی عمان حضور داشتند.در سال ۱۹۶۰ تمام مشاوران سعید بن تیمور جز یک نفر همه انگلیسی بودند(هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۸۶). وزیر دفاع و رئیس اطلاعات او از افسران ارتش بریتانیا بودند، مشاور ارشد او یک دیپلمات سابق بریتانیا بود. فرمانده بریتانیایی نیروهای مسلح سلطان عمان هر روز با وابسته دفاعی انگلیس و هر هفته با سفیر انگلیس دیدار و مشورت می کرد(کوبین، ۲۰۱۶: ۲).مقامات دیگر در رده های مناصب متوسط نیز از میان جوامع مهاجر بریتانیایی و هندی تبار در مسقط انتخاب می شدند. سلطان سعید از بیم کودتای ارتش کوچک خود، ترفیع نظامیان عمانی را فراتر از درجه ستوانی ممنوع کرد و تمام پست‌های افسری و بالاتر از آن در اختیار افسران بازنشسته بریتانیایی یا پاکستانی بود که با خود سلطان قرارداد داشتند(انگلیم، ۲۰۱۴: ۱).به طور رسمی سلطان نشین عمان یک کشور مستقل محسوب می شد، اما در حقیقت مستعمره بالفعل بریتانیا بود.به این ترتیب،دولت های متوالی بریتانیا مسئول شرایط اسفبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند که رعایای سلطان متحمل می شدند و در انتها شورش مردمی را ایجاد کرد و به آن دامن زد.

۳- ملی گرایی و ظهور جنبش های انقلابی در جهان عرب:

رواج اندیشه های ناسیونال سوسیالیستی در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در جهان عرب و ظهور دولت های به اصطلاح چپگرا در مصر، عراق ،سوریه و یمن جنوبی به عنوان کانون های محرک و پشتیبانی در تکوین جبهه انقلابی عمان ، نقش قاطع و حیاتی را ایفا کردند.در این میان جنبش ناسیونالیست های عرب نقش بارزی را ایفا کرد.این گروه در میان انقلابیون منطقه خلیج فارس و دریای عمان نفوذ کرد و فعالیت های سیاسی و نظامی گوناگونی را در کشورهای مختلف از جمله عمان انجام داد. این سازمان به عنوان یکی از نخستین ارکان قیام مردم عمان داخلی، نقش مهمی را در تکوین این حرکت برعهده داشت(آنتونی، ۱۹۷۶: ۹). درجریان نهضت عمان داخلی، ناسیونالیست های عرب فعالیت‌های زیادی را در پشتیبانی مادی و تبلیغاتی از آن و مبارزه با استعمار انگلستان انجام دادند.گسترش فعالیتهای گروههای مبارز فلسطینی در خلیج فارس نیز در تحریک و حمایت آنان بسیار موثر بود.در این میان جبهه آزادیبخش خلق برای آزادی فلسطین به رهبری جرج حبش نقش بسیار مهمی را ایفا کرد (آرشیو اسناد وزارت امورخارجه،مسقط و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

عمان، ۱۳۵۵-۱۳۵۰ش،جعبه ۲۱،پرونده ۲، بخش۹). جمهوری مصر تحت تاثیر ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر نیز مرکز عمده تغذیه مادی و معنوی انقلابیون عمان داخلی بود. قاهره در جریان مبارزات مردم عمان با پول ، اسلحه و تبلیغات به یاری امامان شتافت و به منظور جهانی کردن این اعتراضات، کار را به اتحادیه عرب و مجامع بین المللی کشانید(گوس، ۱۳۶۷: ۹). عناصر مهاجر عمانی در طول اقامت در کشورهای حوزه خلیج فارس با اندیشه های ملی گرایی در جهان عرب آشنا شده و چگونگی سازماندهی سیاسی و مبارزه مسلحانه را فرا گرفتند (هالیدی، ۱۳۵۸: ۴۳۶-۴۳۷).درحقیقت مهاجرتهای اقتصادی ، ایدئولوژی رادیکال منطقه را به رهبران آینده قیام عمان داخلی منتقل نمود.

۴- رقابت های انگلستان و امریکا:

انگلستان که به طور سنتی خود را مالک حوزه های نفتی در خاورمیانه می دانست ، در پایان جنگ جهانی دوم با ورود شرکتهای آمریکایی، خطر از دست دادن این موقعیت را احساس کرد. آمریکا تلاش کرد با پرداخت رشوه در شرکت نفت عمان رخنه کند که با مقاومت انگلیسی‌ها روبرو شد، در نتیجه آمریکا سعی کرد تا با حمایت از عناصر مخالف در درون خاک عمان به موقعیت برتر انگلستان ضربه وارد آورد.با این هدف از طریق عربستان سعودی که شرکت نفتی آرامکو[1] آمریکا در آن دارای قدرت زیاد بود ، به حمایت از جبهه انقلابی عمان تحت لوای امامت در طی دهه ۵۰ میلادی اقدام کرد. اختلاف بین دستگاه سلطنت و امامت در عمان به نوعی منعکس‌کننده رقابت هایی بود که در منطقه بین شرکت‌های نفتی آرامکو عربستان وابسته به آمریکا و شرکت نفت عمان وابسته به انگلستان جریان داشت (بیریبی، ۱۹۵۹: ۱۸۳-۱۸۵). بندر دمام در شرق عربستان به عنوان مرکز فعالیت طرفداران امام تعیین شد و این گروه با استفاده از تجهیزات نظامی ساخت آمریکا از جمله انواع خمپاره و مین علیه مواضع و سربازان انگلیسی در عمان می جنگیدند(هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۹۲). به گفته دالاس[2] وزیر خارجه امریکا ، هدف واشنگتن تنها محصور ماندن جنبش امامیه در چارچوب مرزهای عمان و عدم رسوخ در سایر کشورهای جنوب خلیج فارس بود.امریکا برای حمایت از موضع گیری عربستان ، مانع از مطرح شدن مسئله عمان و دخالت ریاض در این کشور در سازمان ملل نیز شد (علوش، ۲۰۲۲: ۲۸۷). در نتیجه، رقابتهای ابرقدرت های امپریالیستی برای تصاحب منابع نفتی به ایجاد کشمکش بین آنها و کمک مستقیم و غیر مستقیم به گروه های مخالف رژیم عمان منتهی شد .

1. Arabian-American Oil Company.Aramco
2. John Foster Dulles

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

۵- عدم بهره مندی از درآمدهای نفتی:

انگلستان پس از کشف نفت در ایران ، با شش شیخ نشین جنوب خلیج فارس در سال ۱۹۲۲ پیمان اکتشاف و استخراج نفتی امضا کرد(سعید[1]، ۱۹۷۷: ۱۱۳).در سال ۱۹۲۵ شرکت اکتشافات نفتی دارسی[2] امتیاز استخراج نفت را به مدت دو سال در عمان از سلطان تیمور بن فیصل کسب کرد .این شرکت بخشی از شرکت نفت ایران و انگلیس بود و سپس در شرکت نفت بریتانیا ادغام شد که در عمان داخلی فعالیت می کرد. در سال ۱۹۳۷، سعید بن تیمور امتیاز پرسود نفتی را با شرکت پترولیوم کانسینز[3]، یکی از شرکت های تابعه کنسرسیوم شرکت نفت عراق[4] امضا کرد(تاریک ماریوت[5]، ۲۰۲۰: ۳).شرکت نفت عراق نیز شعبه ای از شرکت نفت انگلیس بود.در سال ۱۹۶۴ شرکت توسعه نفت عمان[6] که شاخه‌ای از شرکت نفت عراق بود، به عنوان بزرگترین اکتشافات نفتی در عمان توانست نفت ناحیه فهود از توابع شهر نزوی در عمان داخلی را با موفقیت استخراج و صادرات آن را از آگوست ۱۹۶۷ آغاز کند(آنتونی، ۱۹۷۶: ۷۸-۷۷). درآمد سلطان سعید بن تیمور از فروش نفت در سال ۱۹۶۷ میلادی برابر با هشت میلیون پوند، در ۱۹۶۸ میلادی، بیست و چهار میلیون پوند و در سال ۱۹۶۹، سی میلیون پوند تخمین زده می‌شود، در حالیکه تا پیش از ۱۹۶۷، درآمد سلطان به سختی به یک میلیون پوند می‌رسید(جناب، ۱۳۴۹: ۳۸۸).سلطان از سال ۱۹۶۷ تا سال ۱۹۷۰ حدود ۸۱/۸ میلیون ریال عمانی از فروش نفت به دست آورد(المحرزی، ۲۰۱۴: ۸۹).در نتیجه عواید شرکت نفت عمان،پنجاه بار بیشتر از کلیه درآمدهای دولت بود(وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۲۴۲). با توجه به جمعیت اندک، این توان مالی می‌توانست درآمد سرانه هنگفتی را نصیب کشور سازد.اما به موازات افزایش درآمدهای نفتی، توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی همچنان برقرار بود. سعیدبن تیمور، دیناری از این درآمدها را در راه رفاه و بهبود کیفی زندگی مردم مصرف نمی‌کرد. بدین ترتیب، در حالیکه مردم عمان خود را بر گنجی عظیم می‌دیدند، فقر همه جانبه خشم و نفرت از هیأت حاکمه را به دنبال داشت. مجله اکونومیست در شماره ۱۸ اکتبر ۱۹۶۹، ضمن بررسی تأثیر تحولات نفتی عمان بر اوضاع اجتماعی آن عنوان کرد که مردم عمان از اینکه می‌بینند، نفت آنان بیشتر برای غربیان رفاه می‌آورد تا برای خودشان، بسیار ناراضی هستند(جناب، ۱۳۴۹: ۳۸۷). منافع نفتی سبب ریشه دار شدن

1. said
2. William Knox D'Arcy
3. Petroleum Concessions Ltd
4. Iraq Petroleum Company (IPC)
5. Tarik Marriott
6. Oman Oil Development Company

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

بیشتر نفوذ انگلیس در بین شیوخ خلیج فارس و سلطنت عمان می گشت. در اواسط دهه ۱۹۵۰، واردات نفت از تولیدکنندگان منطقه ای مانند کویت، تأثیر قابل توجهی بر تراز پرداخت های بریتانیا داشت و موجودی استرلینگ شیخ نشین های خلیج فارس از ۳۸ میلیون پوند در ژانویه ۱۹۵۴ به ۱۴۳ میلیون پوند در مارس ۱۹۵۶افزایش یافت(برادشاو، ۲۰۱۷: ۶۵۸). اهمیت فزاینده صنعت نفت به این معنی بود که دخالت بریتانیا برای تداوم حکومت سلطان عمان، افزایش می یافت.

ج- پیدایش و مراحل جبهه انقلابی عمان:

۱- مرحله اول انقلاب

انعقاد پیمان ال سیب در ۱۹۲۰ میلادی، به معنای تعیین قطعی حدود قلمرو و میزان اختیارات سلطان در مسقط و سواحل و امام در نواحی داخلی عمان بود. این پیمان، استقلال بخش‌های داخلی و تفکیک اداری را برای بنیاد امامت در عمان به ارمغان آورد. از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۵۱م به ترتیب، علی سالم بن راشد الخروصی و ابوعبدالله محمد بن عبدالله الخلیلی به امامت رسیدند(النهبانیه، ۲۰۱۸: ۱-۲ ؛ باسم حمزه، ۲۰۱۴: ۳۳۰). در سال ۱۹۵۴م، پس از فراز و نشیبهای فراوان، غالب بن علی بن ال هنایی در رقابت با عبدالله بن سالم الخروصی ، سیف بن راشد المعاولی و احمد بن ناصر السعیدی ، در سن ۳۵ سالگی و مقارن با حکومت استبدادی سلطان سعیدبن تیمور به امامت در عمان داخلی منصوب شد(الشقرونی، ۲۰۱۸: ۱۸۰). در این زمان، سلطان سعید با بالا گرفتن تب نفت و هجوم کاوشگران اروپایی و امریکایی، امتیازهایی را با هدف اکتشاف و استخراج نفت در بخش داخلی عمان به آنان واگذار کرد. این امر بدون توجه به تفکیک قلمرو و امتیازات در قرارداد ال سیب، صورت گرفت و ضمن نادیده گرفتن حق مسلم امامان، آنان را به شورش و درگیری نظامی کشانید(مارلو[1] ،۱۹۶۲: ۲۲). امام و سران طوایف عمان داخلی پس از اکتشافات نفتی در منطقه فهود اعتراض کرده و آن را نقض استقلال «عمان داخلی» و حاکمیت امام و حتی نقض عهدنامه سیب دانسته و خود را برای درگیری نظامی آماده کردند. در۳ مه ۱۹۵۴ امام محمد بن عبدالله الخلیلی درگذشت(هوک، ۲۰۰۸: ۳). امام غالب‌بن علی ال هنایی پس از انتصاب به مقام امامت در ماه مه ۱۹۵۴، اتحادی را با شرکت برادرش طالب‌بن علی ال هنایی و سلیمان بن حمیرال هنایی رئیس قبیله بنی‌ریام بزرگترین قبیله عمان و صالح‌بن عیسی رئیس قبیله حارث ، علیه تجاوزات دولت مسقط از پیمان السیب بنیان گذاردند. امام غالب‌بن علی با حمایت رسمی یا

1. Marlow

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

غیررسمی عربستان سعودی و شرکت نفت آرامکو ، سنت امامت را در تلاش برای جداسازی پیروان خود از هواداران سلطان مسقط ادامه داد. در بحبوحه بحران واحه نفتی البریمی در فاصله صد مایلی جنوب شرقی ابوظبی که عربستان، عمان و ابوظبی بر سر مالکیت آن اختلاف داشتند و عربستان در سپتامبر ۱۹۵۲ به اعزام نیرو به آن ناحیه اقدام کرد(العمری، ۲۰۱۲: ۷ ؛ علوش، ۲۰۲۲: ۲۸۴)، امام حتی عمان داخلی را مستقل از عمان ساحلی و مسقط اعلام کرد و درخواست عضویت در اتحادیه عرب را داد. جناح امامت مورد حمایت کشورهای چپ گرا متمایل به بلوک شوروی در داخل اتحادیه قرار گرفت و تا آنجا پیش رفت که دفتری در قاهره راه اندازی کرد و خواسته های امامت برای ایجاد یک کشور مستقل در عمان داخلی را مطرح کرد(هوک، ۲۰۰۸: ۳-۴). رادیو صوت العرب(إذاعة صوت العرب) مصر نیز به طور مستمر به تبلیغات بسود جبهه امام می پرداخت (العمری، ۲۰۱۲: ۱۶). به کمک مصر و عربستان دفاتر جبهه در بیروت و دمشق نیز افتتاح شد(علوش، ۲۰۲۲: ۲۸۷). طالب برادر امام فرماندهی ارتش آزادی بخش عمان را برعهده داشت.او شخصیتی نیرومند و دارای قدرت بسیج نیروها و نفوذ در میان قبایل بود و خود را آرمان‌گرای واقعی برای پیشبرد اهداف انقلابیون عمان داخلی می دانست. هسته اصلی ارتش آنها متشکل از ۳۰۰ جنگجو از مهاجران عمانی در خاورمیانه بود که توسط مستشاران آمریکایی در عربستان سعودی آموزش می دیدند. بسیاری از تسلیحات قاچاق شده به عمان نیز ساخت ایالات متحده بودند. در کنار این نیرو حدود ۲ تا ۳ هزار جنگجوی عشیره ای، عمدتاً از قبیله بنی‌ریام حضور داشتند.بر اساس سنتهای قبیله ای که نشانه بلوغ و مردانگی بود ، اکثریت جوانان عمانی با خود اسلحه از جمله تفنگهای مارتینی هنری[1]، جزیال هندی[2] و یا لی انفیلد[3] ۳۰۳ حمل می کردند.در مقابل ، سلطان سعید حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ سرباز نیمه آموزش دیده داشت که در سه هنگ پیاده نظام بر اساس شیوه انگلیسی و با مجموعه ای از افسران میانسال سابق ارتش بریتانیا که آنها را فرماندهی و آموزش می دادند، سازماندهی شده بودند. آنها از تفنگهای لی انفیلد و تعدادی مسلسل سبک برن[4] استفاده می کردند و لندرورهای انگلیسی محرک آنها در مناطق بیابانی و تا حدودی کوهستانی بود.یک واحد توپخانه قدیمی که ساخت آنها به ۶۰ سال پیش می رسید، دیگر دارایی تسلیحاتی فرسوده سلطان را تشکیل می داد.سلطان سعید حدود ۳۰۰۰ جنگجوی قبیله ای نیز داشت، اما آنها را غیرقابل اعتماد و اتکا می دانست.فرمانده نیروهای مسلح سلطان،

1. Martini–Henry
2. Jezail
3. Lee–Enfield
4. Bren

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

سرهنگ با تجربه، دیوید اسمایلی[1] انگلیسی بود(انگلیم، ۲۰۱۴: ۲-۳).قبل از ورود اسمایلی، فرمانده نیروهای مسلح اسماً سلطان بود، اما فرمانده واقعی یک مزدور بریتانیایی به نام واترفیلد[2] بود که به عنوان رئیس ستاد ارتش خدمت می کرد. در سال ۱۹۵۵، نیروهای دولتی با حمله به عمان داخلی، نزوی (نیزوا) مرکز سنتی امامت را اشغال کردند. با تصرف نزوی، اتحاد جبهه امامت فرو پاشید.در ۱۵ دسامبر ۱۹۵۵، نیروی های سلطان تحت فرماندهی سرهنگ دوم کالین ماکسول[3] به قلعه شهر مهم رستاق یورش برد. او پس از بازنشستگی از ارتش بریتانیا مدتی به عنوان پلیس در فلسطین خدمت کرده و بر زبان عربی تسلط داشت.کامیونهای نیروهای سلطان نیز از بندر صلاله در استان ظفار حرکت کرده و با پیمودن ۶۰۰ مایل در صحرا خود را به صحنه نبرد رساندند. با تصرف قلعه رستاق، این شهر تسخیر گشت(میگر[4]، ۱۹۸۵: ۳)، امام غالب بن علی اسیر شد و تصمیم گرفت از شورش و اقدامات سیاسی و نظامی کناره گیری کند. او با اقرار به حاکمیت سلطان به روستای بلد سیت زادگاه خود در دامنه شمالی رشته‌کوه حجر در نزدیکی بلندترین قله عمان ،جبل شمس بازگشت، در حالیکه طالب به بندر دمام عربستان سعودی گریخته و در آنجا به تجدید قوای نظامی و سازمان سیاسی پرداخت(چنی[5]،۱۹۸۴: ۶۳).سلیمان بن حمیر نیز ضمن دیدار با سلطان در اردوگاه او در نزدیکی نزوی ، از جنگ دست کشیده و به روستای خود وادی تنوف بازگشت(میگر، ۱۹۸۵: ۴). به این ترتیب مرحله اول قیام جبهه امام ، با شکست تحقیرآمیز به پایان رسید.

۲- مرحله دوم انقلاب

در طول سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ میلادی ، طالب علاوه بر تبلیغ در قاهره، تعدادی از کارگران عمانی را که در عربستان سعودی کار می‌کردند، استخدام و آموزش نظامی داد. او همچنین یک کارزار آزادسازی دو طرفه را برنامه ریزی کرد که بر اساس آن انقلابیون قرار بود به طور همزمان منطقه الشرقیه و مرکز عمان را هدف قرار دهند. ستوان ارشد ارتش طالب، صالح بن عیسی، برادری به نام ابراهیم داشت که برای رهبری شورش در الشرقیه تعیین شده بود (همان: ۵). در مارس ۱۹۵۷ ابراهیم با حدود هفتاد نفر از هوادران خود به عمان بازگشت اما هیچ اقدامی از سوی نیروهای مسلح سلطان علیه انقلابیون در ماههای آوریل و می این سال انجام نگرفت. سپس سلطان مذاکرات را با چریکها آغاز و در اوایل ژوئن ابراهیم را

1. David de Crespigny Smiley
2. Waterfield
3. Colin Maxwell
4. Meagher
5. Cheney

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

برای گفتگو به مسقط دعوت کرد. ابراهیم در ۱۴ ژوئن به مسقط رفت و بلافاصله پس از ورود در زندان قلعه جلالی(ساخته شده در ۱۵۸۰ م بوسیله پرتغالیها)اسیر گشت (العمری، ۲۰۱۲: ۲۲). اندکی پس از زندانی شدن ابراهیم، طالب با ۱۰۰ نفر به بندر سویق در ساحل شمالی باطنه و ۱۰۰ نفر دیگر در شمال ناحیه صُحار در باطنه شمالی وارد شدند. غالب نیز اعاده مبارزه جبهه انقلابی عمان[1] را اعلام کرد. سلیمان بن حمیر که قبیله ۱۵ هزار نفری او در تمام نقاط جبل الاخضر پراکنده بودند، نیز پس از شنیدن اخباری مبنی بر اینکه انگلیسی ها اعتماد خود را به سلطان از دست داده اند و مقدار قابل توجهی نفت در جبل اخضر کشف شده است، به انقلابیون پیوست و به نام عملیات جبل الاخضر، اعلام جنگ کرد. پس از این رویدادها ، هنگ نیروهای سلطان به بلد سیت روستای امام در نزدیکی شهر بهلا و در فاصله ۲۰۰ کیلومتری جنوب غرب مسقط حمله کردند، اما پس از ۷ روز جنگ و گریز در گرمای شدید و راههای کوهستانی باریک و مرتفع ، با دادن خسارات مجبور به عقب نشینی شدند.تلفات سنگین موجب انحلال این هنگ از لحاظ عملیاتی شد.در مقابل شهر مهم نزوی بدون درگیری، بوسیله انقلابیون فتح شد و پرچم سفید امامت در آن برافراشته گردید(آنتونی، ۱۹۷۶: ۳۶، ۷۴).سید طارق برادر و نایب السلطنه سلطان نیز در نزدیکی تنوف و ازکی مورد حمله قرار گرفت و با دادن تلفات مجبور به خروج از منطقه شد(میگر،۱۹۸۵ :۵).استفاده از ارتفاعات ، قلعه های مستحکم در بلندی ، تک تیراندازهای کمین کرده در مناطق صعب العبور و مین گذاری از مهمترین تاکتیک های شورشیان بود.در ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۷، سلطان از طریق سرکنسول بریتانیا در مسقط، رسماً از انگلیس درخواست کمک کرد. کمک بریتانیا برای تداوم حیات حکومت سلطان ضروری بود. ارتش ضعیف او در این زمان متشکل از هنگ ۱۲۰ نفری مسقط که عمدتاً برای وظایف نگهبانی کاخ استفاده می شد، واحد باطنه متشکل از ۲۰۰ نفر به فرماندهی سرهنگ دوم کالین ماکسول و هنگ سلطان متشکل از ۳۰۰ نفر بود. بسیاری از سربازان سلطان بلوچ هایی بودند که در بندر گوادر(بخشی از پاکستان امروزی)استخدام می شدند(وارنر[2]، ۱۹۸۴: ۲۲۷). پس از موافقت بریتانیا با کمک تسلیحاتی در برابر استفاده بیشتر از امکانات پایگاههای دریایی و هوایی مصیره و صلاله و نظارت بیشتر بر دستگاه نظامی عمان ، توافقنامه همکاری های دفاعی فی مابین در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۸ امضا شد(کیتسون[3]، ۱۹۷۷: ۱۶۶). بلافاصله به ناوگان بریتانیا مستقر در شمال دریای عرب و خلیج فارس نیز دستور آماده باش داده شد(وارنر، ۱۹۸۴: ۲۲۷). نخستین گروه از تفنگداران دریایی

1. oman Revolutionary Movement.(O.R.M)
2. warner
3. kitson

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

سلطنتی اعزام شده به عمان در ۲۹ مارس ۱۹۵۸ به سرپرستی ستوان گری[1]، شامل هفت درجه افسر و یک تفنگدار بود. که بتدریج این تفنگداران دریایی توسط افراد تیپ ۳ کماندویی تقویت شدند. بیست افسر تفنگدار دریایی و ۶۳ درجه افسر در عمان در جنگ جبل الاخضر خدمت می کردند. مدت کوتاهی پس از انجام عملیات نیز سه گروهان از گردان اول تفنگداران اسکاتلندی مشهور به واحد کامرونی ها و نیروهای بخش۱۹/۱۵از واحد زرهی و شناسایی موسوم به هوسرها[2] به عمان اعزام شدند. (میگر،۱۹۸۵ :۵)تعدادی از افسران و تفنگداران دریایی نیز برای آموزش نیروهای سلطان فرستاده شده و مهمتر از همه، چندین اسکادران از جنگنده بمب افکن های ومپایر ۱۱۲ ونوم[3]، برای حملات زمینی و عملیات در شب در عدن و بمب افکن های متوسط آورو شکلتون[4] در پایگاه های خلیج فارس بخصوص شارجه مستقر گردید(انگلیم،۲۰۱۴: ۲-۳). با ادامه برتری نیروهای امام ، نیروی هوایی بریتانیا برای اولین بار در جنگ شرکت کرد.در ژوئیه ۱۹۵۷ حمله به دژها در مناطق تحت کنترل امامت آغاز شد و در اوایل آگوست با پاکسازی حومه شهرها ادامه یافت.جنگنده های ونوم هر حرکتی را که در مسیرها مشاهده می‌شد، از جمله نفراتی که در فلات جبل استتار کرده بودند را موشک باران می کردند. بین ژوئیه و دسامبر ۱۹۵۸، نیروهای هوایی سلطنتی انگلیس ۱۶۳۵سورتی پرواز انجام دادند، ۱۰۹۴ تن بمب پرتاب کرده و ۹۰۰ راکت به شورشیان، روستاهای بالای کوه و منابع آبی آنها شلیک کردند. این حجم از مهمات بیش از دو برابر وزن بمب هایی بود که نیروی هوایی آلمان نازی در نوامبر ۱۹۴۰ بر روی شهر کاونتری انگلیس انداخت(کوبین، ۲۰۱۶: ۲). اما این تهاجمات تا حد زیادی بی اثر بود، زیرا در ابتدا هواپیماها فقط دستور بمباران غارها و سیستم های آبی را داشتند، همچنین حملات هر روز در زمان مشخصی انجام می شد و به چریکها فرصت زیادی برای پناه گرفتن می داد،موشکها نیز نمی توانستند به صخره های عظیم سنگی و قلعه های گلی بزرگ نفود کنند(میگر،۱۹۸۵ :۵).شورشیان نیز با استفاده از مین گذاری و تله های انفجاری، تک تیراندازی و نوعی جنگ و گریز چریکی سرسختانه به مقاومت ادامه می دادند.تامین تجهیزات عاملی دیگر برای تداوم مقاومت جنگجویان بود.پس از استقرار در جبل، جبهه امام شروع به تامین جدی تدارکات خود کردند. صالح بن عیسی به جذب و جمع آوری پول نقد، سلاح و ذخیره آن در دمام عربستان سعودی و ارسال آنها به جبل الاخضر ادامه داد. صالح کمکها را از طریق دریا به شارجه و

1. Gary R.M
2. howsar
3. Venom
4. Avro Shackleton

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

سپس از طریق زمینی به سواحل باطنه می فرستاد. تدارکات از ساحل با کامیون از طریق رستاق به عوابی در جنوب باطنه حمل می شد و سپس از طریق کوهپایه ها به فلات مرتفع منتقل می گردید. به این ترتیب مین ، مسلسل های کالیبر ۵۰، خمپاره ، فشنگ و رادیو در اختیار جنگجویان قرار گرفت. اولین محموله عمده تسلیحات از عربستان سعودی به شورشیان شامل ده قبضه خمپاره انداز، چهار مسلسل ضدهوایی و مخصوصا ۱۰۰قبضه تفنگ کارابین[1] بود. عربستان در دهه ۵۰ م ۱۰۰۰ قبضه کارابین را برای کمک به چریکها خریداری کرده بود. چریکها در این زمان حدود ۱۸۰ تک تیرانداز تیزبین بر بلندای ارتفاعات، با پشتیبانی حدود ۵۰۰ نفر از افراد قبیله ای مسلح داشتند و تلاش‌های صالح برای تدارک مجدد، آنها را به طور پیوسته قوی‌تر می‌کرد. مین گذاری چریکها در وادی های مورد استفاده سربازان سلطان موجب گردید تا بیش از ۱۵۰ وسیله نقلیه آنها بین مارس و نوامبر ۱۹۵۸ نابود شود. (همان:۶).

۳- مرحله سوم انقلاب:

علیرغم حملات هوایی، پس از هشت ماه مشخص شد که شورشیان هنوز تسلیم نمی‌شوند و همچنان به پرتاب خمپاره اقدام کرده و جاده‌ها را تقریباً هر شب با مین های ساخت امریکا ، تله گذاری می‌کردند. در نتیجه بریتانیا تلاش کرد تا ایالات متحده را متقاعد کند که ارسال مین به عربستان سعودی را متوقف کند. پاسخ ادعایی ایالات متحده این بود که مین ها به عنوان بخشی از یک برنامه کمک نظامی تامین شده اند و نحوه استفاده از آنها برای تامین کننده هیچ مسوولیتی ایجاد نخواهد کرد. جبل الاخضر مساحتی حدود هجده در دوازده مایل را پوشش می داد، در نتیجه به سادگی نیروهای کافی برای محاصره کامل این منطقه وسیع وجود نداشت و کیفیت یا کمبود نیروهای موجود مانع از حمله می شد. بنابراین،سلطان عمان به دنبال یک جنگ فرسایشی طولانی بود که شامل کمین و ضد کمین، مین گذاری و حملات هوایی اساساً بی اثر بود که در این نبرد هیچیک از طرفین نمی توانست ضربه قاطعی به طرف دیگر وارد کند. عبور از ارتفاعات صعب العبور در تابستان سوزان عمان با بارهای معمول غذا، اسلحه، آب و مهمات ، سربازان را از لحاظ جسمانی بشدت ضعیف می ساخت ، چنانکه از ۵۰ سرباز انگلیسی که در عمان خدمت می کردند، ۴۵ نفر به دلیل گرمازدگی تخلیه شدند و دو نفر جان خود را از دست دادند. در نتیجه یک حمله به بالای جبل و از بین بردن آخرین پناهگاه امن شورشیان، ضروری بود ، قبل از اینکه بازگشت گرمای تابستان آن را غیرممکن کند. افسرکل فرماندهی خلیج فارس انگلیس تخمین می زد که به دو لشکر، از

1. carabine

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

جمله حداقل یک گردان نیروهای موسوم به گورخا هندی نیاز دارد، و آنها از قبل به چندین ماه آموزش در زمینه جنگ کوهستانی نیاز داشتند.بنابراین، استراتژی نظامی بر اساس مصلحت سیاسی و محیط فیزیکی شکل گرف تنها گزینه قابل قبول سرهنگ اسمایلی این بود که محاصره را به طور نامحدود ادامه دهد، با استفاده از نیروهای سلطان به جبل حمله کند،یا متخصصانی را بیابد که مهارت ها و آمادگی جسمانی لازم را برای بالا رفتن سریع از کوهستان و قدرت آتش، مهارت تاکتیکی و تهاجمی برای مقابله با جنگجویان را داشته باشند.اما در انتها اسمایلی به سراغ گزینه سوم رفت و درخواست استقرارهنگ ۲۲ نیروهای ویژه هوایی که بخشی از نیروی زمینی ارتش بریتانیا بود را در سپتامبر ۱۹۵۸ کرد. اسکادران D این هنگ، تحت فرماندهی سرگرد جان واتس[1] نیز بخشی از نیروهایش را با هدایت کاپیتان پیتر دلا بیلیر[2]، در اکتبر از مالایا(شبه جزیره ای در برمه، تایلند و مالزی) وارد عمان کرد و بلافاصله گشت زنی تهاجمی آغاز شد. در ژانویه نیز یک اسکادران دیگر تحت فرماندهی سرگرد جان کوپر[3] به آنها ملحق گردید. کوهنوردی سریع و اصل غافلگیر نمودن چریکها در ارتفاعات صعب العبور از تاکتیک های نیروهای بریتانیا در این مقطع از نبردها بود(انگلیم، ۲۰۱۴: ۴). حملات هوایی پس از تخریب استحکامات امامیه در نزوی، ازکی، بهلا، برکة الموز و تنوف و روستاهای کوهپایه جبل الاخضر، به برهم زدن تعادل نبرد به سود نیروهای سلطان کمک کرد. زره پوش های سنگین از عدن و یمن جنوبی به صحنه نبرد وارد و در نتیجه نیروهای امام متحمل تلفات سنگین شده و مجبور به پناه گرفتن در ارتفاعات و غارهای جبل الاخضر شدند. بر این اساس زمین نقش مهمی در حفاظت از نیروهای شورشی باقیمانده ایفا می کرد.در دسامبر ۱۹۵۸، نیروهای اسکادران "D" بین ۲۰ تا ۳۰ نفر از چریکها را در برابر تنها یک کشته از انگلیسی ها به هلاکت رساند (میگر، ۱۹۸۵: ۶). در نتیجه انتظار می رفت با توجه به حجم سنگین تلفات، طی چند ماه به شورش به پایان برسد. اعتقاد بر این بود که با کشته شدن تعداد بیشتری از افراد طالب، او مجبور خواهد شد که به طور فزاینده ای در جنگ شرکت کند و در نتیجه این شانس افزایش می یافت که او کشته شود. تشدید محاصره شورشیان به منظور جلوگیری از فرار رهبران آنها نیز در نظر گرفته شد .تصور می شد اگر شانس زنده ماندن آنها در اینجا کاهش یابد، ممکن است تسلیم شوند. در سال ۱۹۵۹ تغییری در روند نبردها ایجاد شد، زیرا نیروهای هوایی ویژه بریتانیا که در نبردها شرکت داشتند برای اولین بار از چند جهت به کوه نفوذ کرده و با پشتیبانی سنگین پوشش هوایی که در نهایت به محاصره نیروهای امام ختم شد

1. John Watts
2. Peter Della Billier
3. John Cooper

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

، شورشیان را مجبور به تسلیم کردند.در برابرکشته شدن تنها ۱۳ نفر از نظامیان سلطان عمان و انگلیس، ۱۷۶ نفر از پیروان امام قتل عام شدند(الفیفی، ۲۰۲۲: ۱). جان واتس برای «اقدامات شجاعانه مثال زدنی در طول عملیات فعال علیه دشمن در زمین» به مدال درجه ۲ صلیب نظامی از سوی ارتش انگلیس نائل آمد و بعدها به فرماندهی نیروی زمینی و ریاست ستاد مشترک نیروهای مسلح عمان انتخاب گردید. بدین ترتیب در سال ۱۹۵۹ با دخالت گسترده نیروهای زمینی و هوایی بریتانیا و با استفاده از هواپیماهای نظامی و واحدهای زره‌پوش و پس از وقوع یک سلسله جنگ‌های خونین، جنبش مردم عمان سرکوب شد و سه رهبر اصلی آن به عربستان متواری شدند(براون، ۱۳۵۴: ۲۳۱).

د-تحولات جبهه امام پس از ناکامی نظامی

با وجود تصرف مراکز حیاتی جبهه امام، عملیات چریکی پراکنده تداوم یافت. در ژوئیه و اوت ۱۹۶۰، برخوردهای شدیدی در اطراف شهرهای ابراء و ظهیر صورت گرفت. در اواخر سال ۱۹۶۱، نیروهای انگلیسی با انتقال تجهیزات نظامی به بنادر صلاله و مصیره، در اطراف شهر نزوی به پیروزی‌هایی دست یافتند. جبهه انقلابی عمان نیز به منظور مقابله با عملیات رو به گسترش نیروهای وابسته به دولت مرکزی، تصمیم به پایه‌گذاری فرماندهی انقلاب میهنی گرفت.در ژانویه ۱۹۶۴ سران انقلابی گرد آمدند تا ضمن رفع کدورت‌های مابین امام غالب‌بن علی و شیخ صالح‌بن عیسی حارثی که دوباره به میدان مبارزه بازگشته بود، جبهه انقلابی عمان را تقویت کنند.در نیمه نخست ۱۹۶۴، انقلابیون به یک رشته عملیات علیه نیروهای مشترک مسقط و انگلیس اقدام کردند؛ به طوری که دبیرخانه جبهه گزارش داد که نیروهای بریتانیا و سلطان تا نیمه نخست دهه شصت میلادی، هزار و هفتصد کشته و زخمی، بر جای گذاشته بود (گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی، ۱۳۶۷: ۳۵۳-۳۵۵). در خلال نبردهای شمال عمان و تحت لوای امامت، بسیاری از عناصر مخالف دولت مسقط از منطقه ظفار، در جبهه انقلابیون به فعالیت می‌پرداختند.در جریان این نبردها بود که انقلابیون ظفار آموختند که چگونه یک حرکت نظامی را آغاز و سازماندهی و هدایت کنند. جنبش آزادیبخش ظفار در حقیقت، تداوم قیام مردم در عمان داخلی و جبل‌الاخضر بود. پس از شعله‌ور شدن قیام در ظفار، بسیاری از هواداران جبهه انقلابی عمان در سطوح مختلف آن به فعالیت و مبارزه پرداختند.بعد از توسعه جنبش ظفار، فعالیت‌های امامیه ضد سلطان به دیپلماسی محدود شد .آنها دارای سه دفتر اصلی در قاهره، بغداد و دمام عربستان بودند و غالب بن علی[1]،

۱. در بامداد روز یکشنبه ۱۲ ذی الحجه ۱۴۳۰ هجری قمری برابر با ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ میلادی، امام غالب بن علی الهنائی آخرین امام عمان درعربستان در گذشت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

امام خودخوانده، مقر خود را در آنجا تأسیس کرده و به اعتراض علیه مشروعیت سلاطین ادامه داد(هوک، ۲۰۰۸: ۳-۴). رهبران امامت در تبعید بارها علیه تجاوز انگلیس به سازمان ملل متحد شکایت کردند. در طول دهه ۱۹۶۰، "مسئله عمان" هر سال در مجمع عمومی مطرح می شد. پس از مباحثات فراوان، گزارش گسترده تهیه شده بوسیله فرستاده سازمان ملل به این نتیجه رسید که مشکل ناشی از سیاست‌های امپریالیستی و مداخله خارجی در عمان است. مصاحبه با مردم سراسر عمان نیز نشان داد که در حالیکه از یک رئیس دولت منتخب حمایت می شد، حمایت اندکی از سلطان وجود داشت، اما در نهایت این پرونده با توجه به نفوذ همه جانبه بریتانیا به نتیجه ای منتهی نگشت(تاریک ماریوت، ۲۰۲۰: ۳). با پذیرش عضویت سلطنت عمان در سازمان ملل در ۷ اکتبر ۱۹۷۱، مناقشات سیاسی و حقوقی پیرامون مسئله عمان و دعاوی جبهه امامیه مختومه اعلام گردید(فوزی، ۲۰۱۸: ۱۱۸).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

نتیجه گیری:

عمان از نظر تاریخی بین منطقه ساحلی که توسط سلطان در مسقط اداره می شد و داخلی کشور، جاییکه مردم به یک امام منتخب وفادار بودند، تقسیم می گشت. بر اساس قرارداد ۱۹۲۰ السیب، سلطان بر تمام نواحی مسقط و عمان حاکمیت داشت اما داخل عمان تحت فرمان امام از نوعی خودمختاری سیاسی و اقتصادی برخوردار بود. احیای امامت در نتیجه ائتلاف بین احزاب قبیله ای و سران ارشد آنان برای اعاده قدرت دنیوی و دینی انجام گرفت.تشکیل جبهه انقلابی عمان و جنگ جبل الاخضر ، مجموعه‌ای از تحرکات سیاسی و درگیری‌های نظامی در اواسط و اواخر دهه ۱۹۵۰ بین ساکنان داخلی عمان، تحت حمایت عربستان سعودی و مصر از یک سو و سلطان مسقط و عمان، که توسط بریتانیا کمک می‌شد، بود. مجموعه‌ای از عوامل از جمله همبستگی طوایف قدرتمند در عمان داخلی در برابر نقض توافقنامه السیب، حکومت مطلقه واپسگرای سلطان، توسعه‌نیافتگی فراگیر و محرومیت شدید جامعه عمان، حاکمیت همه‌جانبه استعمار بریتانیا ، تاثیر جنبش های ملی گرا انقلابی در جهان عرب ، کمکهای خارجی از سوی کشورهای چپگرای خاورمیانه و عربستان سعودی و عدم بهره مندی از درآمدهای هنگفت ذخایرنفتی در عمان داخلی موجب پیدایش این جنبش گردید .جنگ جبل الاخضر یک قیام قبیله ای بود که توسط شیوخ جدایی طلب در داخل کشور عمان، علیه سلطان مسقط و عمان، سعید بن تیمور ، رهبری می شد. شورشیان به دنبال استقلال و کنترل سرزمین های داخلی عمان و استیلا بر منابع و درآمدهای نفتی بودند که در این منطقه یافت می شد. قیام جبل همچنین یک جنگ نیابتی علیه انگلیسی ها توسط جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر و پادشاه عربستان سعودی بود که به طور پنهان و آشکار آموزش، سلاح ، پول و امکانات تبلیغی را در اختیار شورشیان قرار می دادند. جنگ جبل اخضر اگر چه یک نبرد جزئی بود، هیچکدام از ارتشهای بزرگ رقیب در آن درگیری مستقیم نداشتند و انعکاس بین المللی خاصی نیز در پی نداشت ، اما بعلت تاثیرات آن بر پیدایش جنبش پردامنه ظفار در جنوب عمان حائز اهمیت فراوان می باشد(بغیری،۱۴۰۲: ۷۸). با وجود آنکه اصول دینی و سیاسی بنیادگرایانه اسلامی که امام از آن قدرت می گرفت ، مورد حمایت بخش وسیعی از ساکنان عمان داخلی قرار گرفت، اما در نهایت جنبش به فرجام بسنده ای دست نیافت.شکست جبهه به این دلیل بود که جنبش امامیست به دلیل منافع طبقاتی خود و به دلیل تکیه بر یک سیستم نظامی و اعتقادی سنتی قبیله ای، قادر به رهبری یک مبارزه توده ای ایدئولوژیک بر علیه امپریالیسم قدرتمند بریتانیا و ایادی داخلی آن نبود. درگیری بین امامت و سلطنت به فروپاشی نظام امامت اباضیه، فرار سران جنبش به خارج از کشور و تثبیت کنترل سلطان بر مناطق داخلی با اتکا به کمک انگلیس انجامید.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

منابع:

اسناد

-آرشیو اسناد وزارت امورخارجه،مسقط و عمان، ۱۳۵۵-۱۳۵۰ش،جعبه ۲۱،پرونده ۲، بخش۹ .

فارسی

- بغیری، علی ، (۱۴۰۲)، شناسایی عوامل عمده و کلیدی وقوع انقلاب و کودتا در کشورهای عرب خاورمیانه با استفاده از روش دلفی فازی، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۳(۲)
- براون، نویل(۱۳۵۴)، اروپای غربی و اقیانوس هند،مجموعه مقالات خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین الملل، ویرایش - عباس امیری، تهران: مؤسسه پژوهش های سیاسی و اقتصادی.
- جمعی از نویسندگان معاصر شوروی، (۱۳۵۸)، جهان معاصر، غلامحسین متین، تهران : جاویدان.
- جناب، محمد علی، (۱۳۴۹)، خلیج فارس، آشنایی با امارات آن ، تهران، ناشرمولف.
- چمنکار ، محمدجعفر، (۱۳۸۳)، بحران ظفار و رژیم پهلوی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- دلاژ، الیویه، گریزبک، ژرار، (۱۳۶۶)، توفان خلیج، اسدالله مبشری، محسن مؤیدی، تهران : اطلاعات.
ذالفقاری ، مهدی و دیگران ، (۱۳۹۹) ، تأثیر دیپلماسی میانجیگری عمان بر نظام امنیتی منطقهی خاورمیانه، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۳، پاییز ۹/۴/۳/۱۰/۱۳۹۹/۲۳۲۲۲۹۸۰/۱/۱۰۰۱/۲۰
زیدان،جرجی، (۱۳۶۹). تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر -
- کامران مقدم ، شهین دخت (۱۳۵۶)، تاریخ کشورهای همجوار ایران ، تهران : دانشگاه تهران.
- گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی ، (۱۳۶۷)، تاریخ معاصر کشورهای عربی ، محمدحسین روحانی ، تهران : توس.
- گوس، گریگوری،(۱۳۶۷)، یکپارچگی یمن، گذشته و آینده، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۳ ، ش ۲۵، دی .
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۹۷۳)، نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۷-۸، فروردین و اردیبهشت.
- نشات، صادق، (۱۳۴۴)، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران : شرکت نسبی کانون کتاب
- نشاشیبی ، ناصرالدین ، (۱۳۵۷)، در خاورمیانه چه گذشت ، م روحانی ، تهران ، توس .
- هالیدی ، فرد ،(۱۳۵۸)، عربستان بی سلاطین ، بهرام افراسیابی ، تهران: کتاب سرا .
- واسیلیف، آلکسی، (۱۳۵۸)، مشعل های خلیج فارس، سیروس ایزدی، تهران: جیبی.
- وزارت امور خارجه، (۱۳۵۰) ، سرزمین های جنوبی خلیج فارس و سلطان نشین عمان ، تهران : اداره نهم وزارت امور خارجه .
- ویلسون ، آرنولد تالبوت ، (۱۳۴۸)، خلیج فارس ، محمدسعیدی ، تهران : بنگاه ترجمه ونشر کتاب .

نشریات

- اطلاعات، ۱۳۵۲ /۱/۲۹ ؛ ۱۳۵۲/۱/۳۰: ۱۳۵۲/۲/۵؛ ۱۳۵۲/۲/۶؛ ۱۳۵۲/۲/۸ ؛ ۱۳۵۲/۱۲/۱۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

عربی

- التركی، عبدالله بن ابراهيم، (۱۴۳۰ه)، قا نظا الإمامة عما ، مجله جامعه ام القرى لعلوم الشريعه و الدرسات الاسلاميه، العدد۴۶

- السعدی، ناصر بن سيف، (۲۰۲۲) ، العلما و السلطه فی عمان، دوحه، المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات.

-الشقروني، توفيق عياد،(۲۰۱۸)، شخصية الإمام محمد بن عبدالله الخليلي من خلال مراسلاته ، مجلة الخليل للدراسات الأدبية واللغوية، المجلد۳, العدد۴.

- العمری، ثابت، (۲۰۱۲) ، التدخل السعودي في الشؤون العمانية ۱۹۵۲ - ۱۹۶۰ : دراسة وثائقية ، مجلة اتحاد الجامعات العربية للآداب ، المجلد ۹، العدد۱

- العيدروس، محمَّد حسن ، (۱۹۹۶)، تاريخ الخليج العربی الحديث والمعاصر، ، عين للدراسات والبحوث الإنسانيَّة والاجتماعيَّة، القاهرة.

- الفيفی، زياد، (۲۰۲۲)، حرب الجبل الأخضر تفجر ذكراها في عُمان بعد نصف قرن من انطفائها،اندبندنت عربيه، الأربعاء ۲۰ أبريل

- المحرزی، منصور ناصر،(۲۰۱۴)، الدولة والمجتمع في عمان 'منذ النباهنة حتى العصر الحديث' (۱۱۵۴ - ۲۰۱۲م) من الصراع على السلطة إلى التنمية وأزماتها، بيروت، الناشر منتدى المعارف

- المرزوقی، عبدالله بن سعيد ، (۲۰۲۲) ، أوضاع عمان الداخلية في عهد السلطان تيمور بن فيصل (۱۹۱۳-۱۹۳۲م)، اردن، دارالنشر الآن .

- النبهانيَّة، بدريَّة بنت محمَّد،(۲۰۱۸)، المدارس التعليمية فی عهد الإمام الخليلی، مجلة الخليل، المادة ۲۰ ، المجلد ۳، العدد ۴ ، الشتاء

- بيريبی،جان جاک،(۱۳۵۹)، الخليج عربی، ترجمه نجده هاجر، سعيد الغز، بيروت، المكتب التجاري للطباعة والنشر.

- حجری، هلال، (۲۰۲۰) ، الجبل الاخضر فی الكاتبات الاجنبيه، التفاهم، العدد۷۰.

- حمزه، موید باسم، (۲۰۱۴) ، نظام الامامه فی عمان بين عامی ۱۹۱۳-۱۹۲۰، بحث فی تاريخ العرب.الحديث و المعاصر، مجلة دراسات تاريخية، العدد ۱۲۵-۱۲۶

- علوش، تيسر جدوع، (۲۰۲۲)، موقف المملكة العربية السعودية من الصراع بين الامامة والسلطنة في عمان۱۹۷۱-۱۹۵۵، مجله الجامعه العراقيه، العدد ۵۴، ج۳.

- فوزی، فاروق عمر، (۲۰۱۸) ، الصراع على السلطة في عمان في عهد الدولة البوسعيدية من "۱۱۶۳ هـ-۱۷۴۹ م." حتى "۱۳۹۰ هـ-۱۹۷۰ م، المجلة الأردنية للتاريخ والآثار، مجلد۱۲، العدد۳.

لاتين

- al- Hashimy, Sa'id b. Multammad b. Sa'id, (1994), IMAM SALIM B. RASHID AND THE IMAMATE REVIVAL IN OMAN , 1331/1913 - 1338/1920, Submitted in Accordance with the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, The University of Leeds , The Department of Modem Arabic Studies.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

- Anglim, simon, (2014), What this Battlefield Tourist learned about Practical Insurgency and Counter-Insurgency in the Southern Gulf, December 1, thestrategybridge.org.

- Anthony , John Duke , (1976), historical And Cultural Dictionary of the oman And the Emirates of eastern Arabia, The scare crew press , inc , Metuchen , n .J .

- Anthony, John Duke, (1976), Historical and Cultural Dictionary of the Sultanate of Oman and the Emirates of Eastern Arabia ,Metuchen,NJ,' Scarecrow PRESS.

- Bradshaw, Tancred , (2021) Imperial recessional: Sir William Luce and the British withdrawal from the Gulf, 1970-1971, Middle Eastern Studies, VOL. 57, NO. 1.

- Bradshaw, Tancred,(2017), The hand of Glubb: the origins of the Trucial Oman Scouts, 1948–1956 , MIDDLE EASTERN STUDIES, VOL. 53, NO. 4.

- Campbell , John c,(1985), Defence of the middle East problems of American policy . Published for the Council on Foreign Relations by Harper, New York .

- Cheney, Stephen A, (1984), The Insurgency in Oman, 1962-1976, Quantico, Virginia, Marine Corps Command and Staff College

- cobain, lan , (2016), Britain's secret wars, www. theguardian.com.

- Eickelman, Dale F, (1985), From Theocracy to Monarchy: Authority and Legitimacy in Inner Oman, 1935 -1957 , International Journal of Middle East Studies , Vol. 17, No. 1.

- Howk, Jason,(2008), A Lion in the Path of Oman's Nationalization: Insurgency in Oman from the 1950s through the 1970s Examined through Social Movement Theory, Center for Contemporary Conflict , Strategic Insights , bi-monthly electronic journal.

-Kitson, Frank,(1977), Bunch of Five ,London, Faber and Faber Ltd.

-Marlowe, John (1962), The Persian gulf in the Twentinth century, The cresset press. London.

-Meagher, John B, (1985), The Jebel Akhdar War Oman .1954-1959, MARINE CORPS COMMAND AND STAFF COLLEGE, Quantico, Virginia.

-MERIP Reports,(1975), The Struggle for Liberation in Oman, No. 36 (April).

-Ministry of information ,(1998), Oman, Ministry of information oman press.

-said , rosemarie j , (1977), The preliminary oil concessions in Trucial Oman 1922–1939, International Interactions, Volume 3, Issue 2.

- Risso, patricia, (1986) , Oman and Muscat, And early Modern History, Croom Helm Ltd, London.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

-Tarik Marriott, James,(2020), The Sultan, the Imam and the Question of Oman, Published 02 Jul ,www.historytoday.com.

-Warner, Philip,(1984), The Special Air Service ,London, Sphere Books Ltd.

- Wilkinson, john.c,)1978), The Imamate Tradition of Oman , Cambridge University Press.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۳۰۵

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

چمنکار، محمدجعفر (۱۴۰۲)، «قیام جبل الاخضر در عمان داخلی و نقش نظامی بریتانیا (دهه ۵۰ میلادی)» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۳، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱۲۹-۱۰۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]